

# مبانی فقهی تقیه مداراتی (کتاب)

نویسنده خلاصه: مهدی محمدی  
نویسنده کتاب: سید محمد یعقوب موسوی (سنگلاخی)

## چکیده

مبانی فقهی تقیه مداراتی پژوهشی در حوزه فقه سیاسی اثر سید محمد یعقوب موسوی است. نویسنده کتاب، تشریح تقیه را به دلیل حفظ اتحاد مسلمانان و همزیستی مسالمت‌آمیز مذاهب اسلامی با همدیگر می‌داند. به گفته او، تقیه راهکاری برای دوری جستن از نفاق و تفرقه میان مسلمانان است و همچنین می‌توان در سایه تقیه با کافران نیز همزیستی مسالمت‌آمیز داشت تا از این طریق آنان را با آموزه‌های دین اسلام آشنا کرد. نگارنده کتاب تقیه را از قواعد مهم فقهی محسوب کرده است و منظور از آن را مخفی کردن حق به دلیل مصلحتی نهفته در آن می‌داند. از جمله ادله مشروعیت تقیه از نظر نویسنده، آیه ۲۸ سوره آل عمران است که در آن اگرچه مسلمانان را از دوستی با کافران نهی کرده؛ ولی در شرایطی استثنائاً دوستی با آنان را جایز شمرده است و مفسران این استثناء را به معنی تقیه می‌داند.

نگارنده تقیه مداراتی را یکی از تقسیمات تقیه می‌داند که سبب حفظ امت اسلام و دوری از اختلاف و تفرقه می‌شود، چنانچه امام صادق (ع) توصیه به برگزاری نماز با آنان، عیادت از بیمارانشان و شرکت در تشییع جنازه‌های اهل سنت کرده است. نویسنده، سکوت ۲۵ ساله علی بعد از جریان سقیفه، صلح امام حسن و قبول ولایتعهدی از جانب امام رضا را از ادله مشروعیت تقیه مداراتی به شمار آورده است. البته به گفته نویسنده، تقیه مداراتی دارای استثنائاتی نیز است از جمله حفظ اصل اسلام و مذهب، برائت جستن از ائمه و نوشیدن شراب، که در این موارد نباید تقیه کرد.

## معرفی اجمالی و ساختار

کتاب «مبانی فقهی تقیه مداراتی» حاصل پژوهش سید محمد یعقوب موسوی (سنگلاخی) در حوزه فقه سیاسی است که به بررسی مبانی فقهی مشروعیت مسئله تقیه مداراتی، احکام، گستره و موارد استثناء آن در فقه شیعه می‌پردازد. این کتاب در سال ۱۳۹۲ ش و توسط انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار به چاپ رسیده است. این کتاب اگرچه با محوریت فقه شیعه تدوین شده؛ ولی به صورت تطبیقی از منابع اهل سنت نیز استفاده شده است.

این کتاب در سه فصل تنظیم شده است.

فصل نخست ذیل عنوان مفاهیم و کلیات، شامل معنای لغوی و اصطلاحی تقیه، ادله مشروعیت تقیه و اقسام تقیه پرداخته است (ص ۱۵-۷۳).  
فصل دوم به بررسی ادله مشروعیت تقیه مداراتی اختصاص یافته است که در آن آیات، روایات، سیره متشرعه، فطرت، عقل و سیره عقلا را به عنوان ادله مشروعیت مورد بررسی قرار داده است (ص ۷۷-۱۳۰).

در فصل سوّم نیز به بررسی تقسیمات، گستره و احکام تقیه مداراتی می‌پردازد (ص ۱۳۳-۱۸۸).

#### ادله مشروعیت تقیه

نویسنده پس از بررسی و نقد تعاریف تقیه در متون شیعه و اهل سنت، در نهایت تعریف برگزیده خود را ارائه می‌دهد. او تقیه را عبارت می‌داند از مخفی کردن حق از دیگران یا اظهار خلاف آن به جهت مصلحتی که مهم‌تر از مصلحت اظهار آن است. به گفته نویسنده این تعریف، انواع تقیه از جمله مداراتی و خوفی را در بر می‌گیرد و قلمرو آن شامل عبادات، اعتقادات و معاملات نیز می‌شود. نویسنده تقیه را به شرط مجاز می‌داند که موجب انهدام حقی از اساس نگردد و یا منجر به تاسیس باطلی نشود (ص ۱۸-۲۳).

نویسنده به ادله قرآنی و روایی، فطرت، اجماع، عقل، سیره متشرعه و سیره عقلاء برای اثبات مشروعیت تقیه استناد می‌کند.

#### ادله قرآنی

نویسنده دلائل مشروعیت تقیه را شامل آیات قرآن، روایات متعدد، اجماع، ادله عقلی، سیره متشرعه و سیره عقلاء می‌داند (ص ۲۴). به گفته او فقیهان شیعه و سنی برای مشروعیت تقیه به چند دسته از آیات قرآن استناد کرده‌اند؛ دسته‌ای از این آیات بر مشروعیت تقیه از کافران دلالت دارد، اما مشروعیت تقیه نسبت به دیگر مسلمانان، به تنقیح مناط از این آیات قابل استفاده است (ص ۲۴-۳۵) و دسته‌ای از آیات که می‌توان آن را ناظر بر مشروعیت تقیه از مسلمانان و غیرمسلمانان دانست (ص ۳۵-۳۹).

از جمله آیات مورد استناد نگارنده درباره تقیه از کافران، آیه ۲۸ سوره آل‌عمران است که مسلمانان را از دوستی با کفار برحذر می‌دارد؛ مگر در مواقعی که نیاز به محافظت خود از شر کفار را دارند که در اینجا می‌توانند از باب دوستی وارد شوند. مفسران جمله «إلا ان تَتَّقُوا مِنْهُمْ تَقَاةً» در آیه به تقیه تفسیر کرده‌اند؛ چنانچه علامه طباطبایی نیز معتقد است که دلالت این آیه بر جواز تقیه روشن است (ص ۲۴-۲۵). نویسنده همچنین به شان نزول آیه ۱۰۶ سوره نحل، درباره عمار و پدرش و مادرش استناد کرده است. وقتی که پدر و مادر عمار کشته شدند و عمار هرچه مشرکان می‌خواستند، به زبان آورد و نجات یافت؛ و کار او مورد تایید خدا و پیامبر (ص) قرار گرفت. بدیهی است که از مطابقت آیه و شان نزول آن، جواز تقیه استفاده می‌شود (ص ۲۹-۳۰).

نویسنده به دسته دیگری از آیات نیز اشاره می‌کند که مشروعیت تقیه را به طور مطلق اثبات می‌کند؛ مانند آیه نفی حرج که علامه طباطبایی آن را منت خدا بر مومنان دانسته است. نگارنده در تقریر مسئله با استناد به این آیه معتقد است که یکی از موارد حرج، اجرای احکام اسلامی در مقابل مخالفان در صورت وجود خطر است که به وسیله این آیه این حرج نیز نفی می‌گردد. به گفته او این آیه به دلالت ضمنی، مشروعیت تقیه به صورت کلی اثبات می‌کند همانطور که از آیه نفی عسر هم چنین دلالتی قابل استفاده است (ص ۳۶-۳۷).

روایات

نگارنده روایات متعددی از متون روایی شیعه و اهل سنت نقل کرده است که برخی از آنها بر مشروعیت یا رجحان تقیه و برخی دیگر بر وجوب تقیه دلالت می‌کنند. (ص ۳۹-۴۰). از جمله صحیح زراره از امام باقر(ع) که از حلیت تقیه در موارد ضرور سخن گفته است. به گفته نویسندگان این دسته از روایات فقط بر مشروعیت و رجحان تقیه دلالت دارد (ص ۴۰-۴۱). نویسندگان به روایات دیگری نیز استناد کرده است که بر وجوب تقیه دلالت دارند مانند روایت محمد ابن خلاد از امام کاظم(ع) که تقیه از دین خود و پدرانیش دانسته و کسی که تقیه نمی‌کند را مومن نمی‌داند. همچنین روایت داود الصرمی امام هادی(ع) که ترک‌کننده تقیه را مانند ترک‌کننده نماز معرفی می‌کند (ص ۴۲-۴۳). نگارنده به برخی روایات اهل سنت نیز اشاره می‌کند که از منظر آنها بر تقیه دلالت دارد (ص ۴۳-۴۴).

#### سایر ادله

فطرت نیز از جمله ادله مشروعیت تقیه نزد نویسندگان به شمار می‌آید. در این باره می‌گوید که تقیه امری فطری است که پیش از هر چیز انسان را به سوی آن فرا می‌خواند. همچنین اجماع، عقل، سیره متشرعه و سیره عقلاء نیز از دیگر ادله مشروعیت تقیه دانسته شده است (ص ۵۰-۵۹).

#### اقسام تقیه

بر اساس گزارش نگارنده، برخی از فقهای شیعه در تقسیم‌بندی تقیه، آن را به تقیه در اصول دین و فروع دین و برخی دیگر آن را به تقیه در عبادات و معاملات و حتی برخی تقیه را از جهت احکام به اقسام پنجگانه واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح تقسیم کرده‌اند. در تعریف تقیه واجب گفته‌اند، تقیه‌ای است که از مصلحت اقوی و الزام‌آوری نسبت به ترک آن برخوردار است؛ نظیر جایی که ضرر حتمی متوجه شخص یا برادران مومنش باشد. در تعریف تقیه حرام نیز گفته شده است، تقیه‌ای است که مصلحت ترک آن اقوی از رفتار تقیه‌آمیز باشد؛ مانند جایی که هیچ‌گونه ضرر جانی، مالی و عرضی در حال یا آینده، او یا برادران دینی او را تهدید نمی‌کند (ص ۶۲-۶۵).

به گفته نویسندگان تقیه از جهت کیفیت و شکل ظاهری نیز دارای تقسیماتی است:

تقیه کتمان: پنهان کردن عقیده خود و فعالیت سرّی برای پیشبرد اهداف در موقع ضعف و هنگام مهیا نبودن شرایط برای انتشار مرام.  
تقیه خوفی: انجام دادن عملی بر خلاف مذهب و مسلک خویش از ترس ضرر رساندن دیگران به نفس، مال، ناموس و عرض خویش.  
تقیه مداراتی: سازگاری، مدارا، خوش‌برخوردی، و همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر مذاهب و ادیان. تقیه مداراتی را در برابر تقیه خوفی دانسته‌اند (ص ۶۹-۷۳).  
ادله مشروعیت تقیه مداراتی  
نویسندگان برای اثبات مشروعیت تقیه مداراتی به ادله متعددی از جمله آیات قرآن، روایات، سیره متشرعه و ... استناد می‌کند (ص ۷۷).

#### قرآن

نگارنده با استناد به آیه ۳۴ سوره فصلت که از دفع بدی با نیکی سخن گفته است، معتقد است مراد از «حسنه» در این آیه تقیه مداراتی است. به گفته او، خداوند به پیامبرش

دستور مدارا و تقیه مداراتی با مردم را داده است و در این حکم هرچند ظاهراً شخص پیامبر مورد خطاب قرار گرفته، اما دلیلی بر اختصاص حکم به آن حضرت را نداریم و هر حکمی که دلیل بر اختصاص آن وجود نداشته باشد، مطابق قاعده اشتراک، فراگیر و همگانی تلقی می‌شود. به این ترتیب همه مکلفین مأمور به تقیه مداراتی هستند (ص ۷۷-۷۹). نگارنده همچنین به آیاتی از قرآن استناد می‌کند که به حفظ وحدت فرمان می‌دهند و از تفرقه برحذر می‌دارد؛ از جمله آیه اعتصام که مطابق با آن از اسباب اختلاف امت نهی شده و هر چیزی که سبب اتحاد میان امت بشود، مأمور به و مطلوب فرض شده است. نویسنده این آیه را دلیل بر تقیه مداراتی دانسته؛ زیرا سبب حفظ و تحقق اتحاد خواهد شد. نگارنده از آیات دیگری در قرآن نام می‌برد که حاکی از نهی از تنازع و نکوهش فرقه فرقه شدن و تمایل به گروه‌گرایی در امر دین است و دلالت بر حفظ اتحاد و مشروعیت تقیه مداراتی دارند (ص ۸۲-۸۷).

### روایات

مولف به روایات زیادی در متون شیعه و سنی اشاره می‌کند که بر مشروعیت تقیه مداراتی دلالت دارند؛ برخی از آنها در رابطه با مدارا با اهل سنت است و برخی دیگر در رابطه با اتحاد و انسجام امت اسلامی. مانند روایت محمد ابن یحیی از امام صادق به خواندن نماز با اهل سنت، عیادت از بیمارانشان و شرکت در تشییع جنازه آنها توصیه می‌کند (ص ۸۸-۸۹). نویسنده معتقد است که امور مورد توصیه امام صادق (ع) در این حدیث از مصادیق بارز مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز و تقیه مداراتی است (ص ۹۰). البته در برابر این گروه از روایات، برخی روایات نماز خواندن با اهل سنت را صحیح نمی‌دانند و تنها نماز را با کسی تجویز می‌کنند که از نظر اعتقاد، مورد وثوق باشد. مرحوم فاضل لنکرانی درباره این گروه از روایات می‌گوید، منظور این روایات آن است که اگر مصالح دیگری از قبیل وحدت و تمرکز قدرت مسلمین و همانند آن مطرح نباشد، طبعاً نماز با آنها غیرمجاز است؛ لیکن با توجه به آن جهات، نه تنها نماز با آنان مشروعیت دارد، بلکه رجحان و بلکه لزوم پیدا می‌کند (ص ۱۰۰ و ۱۰۶).

نویسنده به دسته‌ای دیگر از روایات اشاره می‌کند که بر مطلوبیت و لزوم برادری و اتحاد میان مسلمانان تأکید می‌کند؛ همچون روایت منقول از امام صادق که فرموده‌اند «مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمی‌کند، او را خوار نمی‌کند و به او خیانت نمی‌کند.» به گفته نگارنده، امام در این روایت مردم را به برادری فرامی‌خواند و برادری بالاترین مرتبه اتحاد و همگرایی است و تقیه مداراتی باعث ایجاد و حفظ برادری و همگرایی می‌شود و سوءظن‌ها را از بین می‌برد و مسلمانان را به هم نزدیک می‌کند. بدیهی است که این روایت نیز بر مشروعیت تقیه مداراتی دلالت می‌کند. ضمن اینکه درباره اتحاد و همگرایی، از اهل سنت نیز روایات مشابهی نقل شده است (ص ۱۰۶-۱۱۳).

### سیره متشرعه

سیره متشرعه نیز از ادله مشروعیت تقیه مداراتی نزد نویسنده به شمار می‌آید. او با مرور بر زندگی معصومان معتقد است که مدارا و نیک‌رفتاری با دیگران در تمام زندگی آنان به چشم می‌خورد؛ مانند حذف عنوان «رسول الله» بعد از نام پیامبر در جریان صلح حدیبیه، کتمان نام منافقانی که در برگشت از تبوک قصد ترور پیامبر را داشتند، سکوت ۲۵ ساله امام علی (ع) پس از جریان سقیفه برای حفظ اتحاد مسلمانان و شرکت آن حضرت در نماز

جماعت مسلمانان که همه اینها می‌تواند برای پیشبرد اهداف اسلام و برای تحکیم وحدت جامعه اسلامی باشد (ص ۱۱۸-۱۲۲).

نویسنده از بارزترین مصادیق تقیه مداراتی ائمه را صلح امام حسن با معاویه، نماز خواندن امام حسن و امام حسین پشت سر مروان حکم حاکم مدینه، سلام دادن و مصافحه نمودن امام صادق با دشنام دهندگان به حضرت علی و قبول ولایت‌عهدی مامون و ازدواج با دختر او از طرف امام رضا می‌داند که به قصد جلوگیری از تشنّت میان مسلمانان و ایجاد وحدت و همگرایی بین مسلمین انجام گرفته است (ص ۱۲۳-۱۲۴).

#### اهداف تقیه مداراتی

مولف کتاب یکی از مهم‌ترین اهداف تقیه مداراتی را وحدت امت اسلامی می‌داند، چنانچه امام علی(ع) خطاب به برخی از صحابه پیامبر که از بیعت با ابوبکر امتناع می‌ورزیدند فرمودند: «با او بیعت کنید، چون او و اطرافیان من را میان‌گزینهش دو چیز قرار دادند، یا آنکه از حق خودم بگذرم و آنچه را که حق آنان نیست به آنان واگذارم، یا با آنان بجنگم و میان مسلمانان جدایی بیاندازم» حضرت در این حدیث علت بیعت خود و یاران خویش را حفظ وحدت مسلمانان و دوری از تفرقه می‌داند؛ همان‌طور که امام حسن نیز در نامه خود به معاویه دلیل خویش‌ن‌داری اهل بیت را جلوگیری از سوءاستفاده دشمن و مقابله با رخنه در دین عنوان می‌کند (ص ۱۲۵-۱۲۶). از دیگر اهداف تقیه مداراتی که نویسنده با استناد به سخنی از امام صادق به آن اشاره کرده، رفع نیاز یکدیگر و همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز است (ص ۱۴۰).

به گفته نویسنده تقیه مداراتی با هر هدفی که صورت گرفته باشد از ظاهر کلام امام خمینی و مرحوم اراکی استفاده می‌شود که رفتار بر طبق تقیه مداراتی نسبت به تمام اهل سنت مجزی از مأموریه واقعی است و نیازی به انجام دادن دوباره آن نیست؛ هرچند در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد (ص ۱۴۸-۱۵۱).

#### موارد استثنای تقیه مداراتی

به نظر نویسنده از جمله موارد استثنا در تقیه مداراتی ارتکاب فساد در مذهب و انجام برخی محرمات و ترک بعضی از واجبات است که در نظر شارع از اهمیت فراوانی برخوردار است و یا اینکه اصل اسلام و مذهب یا ضروری دین یا مذهب در معرض زوال یا تغییر قرار گیرد یا تقیه مداراتی باعث شود که یکی از اهداف تشریح آن از بین برود، مثلاً به جای ایجاد اتحاد، سبب تفرقه میان مسلمانان شود و به جای آن که آبروی دین و مذهب را حفظ کند، باعث آبروریزی مذهب شود، در این صورت تقیه مداراتی جایز نخواهد بود. (ص ۱۶۵). از دیگر استثنائات تقیه مداراتی ریختن خون انسان محترم است، در این باره علاوه بر اتفاق نظر فقیهان از جهت فتوای، روایات معتبری نیز وجود دارد؛ مرحوم خوینی به دلیل آن که مشروعیت تقیه را برای جلوگیری از خونریزی و امتنان بر مومنان می‌داند و جرح شخص محترم نیز مخالف امتنان است، تقیه را نسبت به جرح نمی‌پذیرد (ص ۱۶۷-۱۶۸).

از دیگر موارد استثنای تقیه مداراتی به نظر مولف، برائت جستن از ائمه و سبّ آنان است. برائت، سبّ و لعن ائمه در تقیه خوفی مشروعیت دارد؛ ولی در تقیه مداراتی مشروع نیست و با غایت و هدف تقیه مداراتی که حفظ آبروی مذهب و مکتب و دلیل نشدن شیعیان است،

منافات دارد. همچنین جایی که به افشای اسرار امامان معصوم و مذهب، نوشیدن شراب، مسخ بر کفش و انکار متعه حج منجر شود، نویسنده معتقد است که تقیه مداراتی در این موارد هیچ راهی برای جواز ندارد (ص ۱۶۸-۱۸۷).

